

طنز

خشونت مجازی

از قلم ف. رحیمی

دیشب ناوقت بچه ماما دادالله زنگ زد و یکسره گریه میکرد گفتم چی شده خیرتی خو است بگو چی اتفاق افتاده. در حالیکه فق میزد گفت پدرم مه شفاخانه بردند و مادرم مه به دفتر پولیس. ،گفتم چرا؟ گفت پدرم از کار آمد به مادرم گفت بگیر یک کاجی، پخته کو. مادرم گفت درست است. مادرم در تلفونش مصروف پالیدن معلومات در مورد طرز تهیه کاجی بود که پدرم آمد و از مادرم پرسان کرد چی میکنی بخی کاجی ره پخته کو، مادرم گفت، مه بسیار وقت شده کاجی، ره پخته نکردیم د تیک تاک طرز تهیه اش می پالم. د همی وقت پدرم گفت تیک تاک، چیست. د ایستاگرام، بیال، مه صد فیصد باور دارم که معلوماتش دقیق و وطنیست. مادرم گفت مه به تیک تاک، هزار فیصد عقیده دارم که طرز تهیه مزه دار دارد. در همین بگو مگو مادرم با دسته آونگ دسر پدرم زد و پدرم بیخود شد فرش زمین شد د، ای وقت مام به پولیس زنگ زدم. پولیس و آمبولانس یکجا رسیدند، پدرم را به شفاخانه و مادرم رابه دفتر پولیس بردند. گفتم بچیم اینه آدم تشویش نگو، پیش از ای که برم خانه ماما دادالله، طرز تهیه کاجی ره د تیک تاک و ایستاگرام پالیدم، خدا شاهد است هرچی ره یافتم همی طرز تهیه کاجی، ره نیافتم.!

۲۸ جولای ۲۰۲۴